فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و سه. تابستان ۱۳۹۸، صص۱۰۱-۹۳ Vol 3. No 33. 2019, p 93-101
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

آثار و علل بزه‌دیدگی کودکان در محیط‌های آموزشی

ساره میربیگی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود. ایران
saremirbeigi@gmail.com

چکیده

اطفال را بدلیل، ضعف جسمانی نسبت به بزرگسالان، تجربه‌ی اندک، ضعف قوه تمیز و. . . باید از زمره آسیب‌پذیرترین اقشار نسبت به جرائم دانست، بزه‌دیدگی اطفال موضوعِ چالش برانگیزی است که بسیاری از مفاد قانونی داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. از آنجایی که کودکان قاعدتاً بخش زیادی از وقت خود را تا سنین نوجوانی و جوانی، در محیط‌های آموزشی و فرهنگی می‌گذرانند، لذا این محیط‌ها می‌تواند بستر مناسبی جهت بزه‌دیدگی اطفال و خسارات ناشی از آن فراهم آورد. بی‌گمان بهترین راهکار برای حل این نوع مشکلات، اتخاذ تربیتی است تا بتواند، بزه‌دیدگی اطفال را در این محیط‌ها به حداقل کاهش دهد و به بیان دیگر از آن پیشگیری نماید.

همچنین در محیط‌های فرهنگی می‌توان مواردی همچون آموزش رفتار با غریبه‌ها، آموزش «نه» گفتن را مورد توجه قرار داد، روشِ دیگرِ پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال، پیشگیری پلیس محور، با استفاده از طرح پلیس مدرسه است، در این زمینه می‌توان از تجربیات کشورهای پیش‌رو نیز بهره جست. پایش فضاهای فرهنگی و آموزشی و شناخت نقاط ریسک نیز سهم عمده‌ای در پیشگیری از بزه‌دیدگی دارد.

واژه‌های کلیدی: کودک، پیشگیری، بزه‌دیدگی اطفال، کودک آزاری.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱- مقدمه

کودکان در مدرسه با آسیب‌ها و جرایم متفاوتی روبه رو هستند؛ بدین معنا که کودکان ممکن است در معرض آسیب‌هایی مانند خشونت، جرایم مرتبط با مواد مخدر مانند استعمال و حمل آن، سرقت، مزاحمت، اخاذی، زورگویی و ضرب و جرح قرار گیرند. عده‌ای معتقدند که بین مدرسه و بزهکاری رابطه علی وجود دارد؛ بدین معنا که، شکست تحصیلی، برچسب‌زنی یا تضاد طبقاتی دانش‌آموزان از یک سو و از سوی دیگر احساس بیگانگی نسبت به تجربیات آموزشی که از ماهیت سرد و بی‌روح مدارس، نقش منفعل واگذار شده به دانش‌آموزان و تلقی دانش‌آموزان از تحصیل به عنوان امری غیرضروری و نامناسب با آینده آنان، نشات می‌گیرد، منجر به ایجاد رابطه علی و معلولی بین بزهکاری و مدرسه گردیده است. به طوری که پژوهش‌ها نیز نشان می دهند، افت تحصیلی که شامل عملکرد تحصیلی ضعیف و اخراج از مدرسه است. به طور عمده با جرایم خطرناک مرتبط است.

براین اساس، عدم وابستگی به مدرسه و تلاش برای خروج از آن منجر به ارتکاب جرایم در مدرسه و بزه دیده واقع شدن کودکان دیگر می‌شود. به طوری که طیف رفتار ارتکابی دانش‌آموزان، ممکن است از موارد جزیی نقض مقررات مدرسه مانند سیگار کشیدن و شلوغ کاری در مدرسه تا جرایم جدی نظیر حمله، دزدی، ایجاد حریق، استعمال مواد مخدر، ضرب و جرح و تخریب اموال مدرسه را در برگیرد. بدین منظور با توجه به این که رفتارهای کودکان (اعم از کودک بزهکار و کودک بزه دیده)، آثار و نتایج منفی بسیاری در آینده آنان دارد، مسئولان آموزش و پرورش را به مداخله و انجام اقدامات پیشگیرانه وادار نموده است.

۲- آثار

آثار سوء استفاده و آزار کودکان، به دو صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت بروز می‌کند. عوارض و پیامدهای ناشی از آزار، به شدت، مدت و تعداد رفتارهای آزادهنده بستگی دارد که در دو بعد اختلالات و عوارض «جسمی» و «روانی ـ عاطفی» بررسی می‌شود:

۱-۲ جسمی

این عوارض به دو صورت حاد و دیررس بروز می‌کنند و شامل اختلالات مغزی (یونسیف، ۱۳۸۷، ص ۱۱)، بینایی، شنوایی، پارگی و صدمات ارگان‌های داخلی، خونریزی ناشی از صدمات فیزیکی وارد بر قفسه سینه و شکم و معلولیت است. همچنین گاهی شدت صدمات به حدی است که موجب مرگ کودک می‌شود. در برخی مواقع نیز ممکن است پارگی کبد، روده‌بند یا اثناعشر، بدون اینکه هیچ اثر ظاهری بر روی پوست شکم دیده شود، بدنبال ضربه به شکم رخ دهد (آقابیگلویی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۷).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۲-۲ روانی ـ عاطفی

این گروه از عوارض شامل اختلالات شناختی، شخصیتی، تجزیه‌ای، اضطرابی، مشکلات کلامی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و افکار خودکشی و همچنین عقب‌ماندگی رشد اجتماعی است. آزار روحی کودک، به دلیل اینکه تا مدت‌ها علایم بیرونی واضحی ندارد، پنهان‌ترین و مخرب‌ترین نوع آزار است و موجب خدشه‌دار شدن شخصیت کودک و احساس عدم لیاقت و شایستگی در او می‌گردد (آقابیگلویی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۷)؛ این در حالی است که کرامت و بزرگواری از عوامل مهم سلامت رفتاری است و پیامبر (ص) نیز در این رابطه می‌فرمایند: «فرزندان خود را گرامی بدارید (به آن‌ها شخصیت بدهید) و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۷). کودکان قربانی سوءاستفاده جنسی، به علت مشکلات روانی ناشی از تجربه‌های خود، ممکن است سال‌ها عذاب بکشند. بعضی از این مشکلات عبارتند از: اختلالات خورد و خوراک، اختلالات خواب، افسردگی، اختلالات اضطرابی، خودآزاری و اختلالات گسستگی، که همه ممکن است در بزرگسالی ادامه یابند. در صورتی که کودک از سنین بسیار پایین مورد سوءاستفاده جنسی قرار بگیرد و متجاوز از افراد بسیار نزدیک وی باشد، مشکلات روانی شدیدتر و طولانی‌تر خواهد بود (گنجی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). از سوی دیگر، عدم عشق‌ورزی به کودک و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی او، باعث ازار عاطفی و روحی شدید کودک می‌گردد و ممکن است او را به انسانی پرخاشگر، خشمگین، لجباز، بی‌انضباط و بی‌توجه به ارزش‌های اخلاقی خانواده و اجتماع تبدیل کند (آقابیگلویی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۷).

برخی تحقیقات نیز آثار سوء متفاوتی را بین زنان و مردانی که در دوران کودکی مورد کودک آزاری از سوی والدین خود قرار گرفته‌اند نشان می‌دهند. نتایج پژوهشی که در آن، هم دختران و هم پسران شرکت‌کننده دچار آزار جسمی شده بودند نشان داد که دختران بیشتر از پسران دچار افسردگی شدید و اضطراب شده‌اند (**Thomspon M. P, Kingree, J. B, Desai, 2004, p 599**).

بر این اساس، عوارض جسمی و عاطفی از آثار زودرس معضل در کودکان به شمار می‌رود و پرواضح است که کودکانی با چنین وضعیت جسمی و روانی، در آینده نخواهند توانست افراد مفید برای خود، خانواده و جامعه خویش باشند که این امر مشکلات متعددی را برای خود جامعه از حیث نداشتن نسل سالم و پویا، بزهکاری، افزایش آمار جرم وجنایت، خانواده‌های نابسامان و. . . به عنوان پیامدهای دیررس این معضل خواهد داشت.

۳- علت‌ها

خشونت‌ورزی علیه کودکان، از جمله پدیده کودک آزاری در محیط خانواده، مانند هر پدیده دیگر عللی دارد که برای مقابله با آن باید عللش را که متاسفانه چند لایه و متنوع نیز هستند، شناخت و با هر یک

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

برحسب مقتضیات آن مقابله کرد. می‌توان موارد زیر را به عنوان عمده‌ترین علل خشونت خانگی علیه کودکان برشمرد:

۱-۳ ناآگاهی والدین

برخلاف باور بسیاری افراد، فرزندداری یک مهارت است و باید برای آن آموزش دید. شرط پدر و مادری خوب و کارآمد بودن، آموختن مهارت‌های زندگی و کسب توانایی‌ها و دانایی‌هایی متنوع است. غفلت از این امر، منشا بسیاری از انواع رایج و کمتر حساسیت‌زای خشونت، در کشورهای مختلف شده است. صرف نظر از شرای خاصی که والدین یا دیگر اعضای خانواده و سرپرستان کودکان به دلیل وجود مشکلات حاد روانی، مانند جنون آنی، مرتکب خشونت‌ورزی علیه کودکان می‌شوند، نادانی از روش‌های درست فرزندپروری و سرپرستی را باید رایج‌ترین علت کودک آزاری خانگی دانست. مثلاً ریشه آنکه والدین و سرپرستان در بسیاری از کشورها، تنبیه بدنی کودک را به قصد تربیت مجاز می‌دانند و گاه به آن اقدام می‌کنند، این است که با شیوه‌های تربیتی عاری از خشونت و نتایج پایدار آن آشنا نیستند، همچنین از آثار منفی و بعضاً جبران‌ناپذیر تربیت مبتنی بر خشونت و یا تهدید به خشونت آگاهی ندارند. اینجاست که اهمیت آموزش‌های عمومی و نقش رسانه‌های گروهی آشکار می‌شود. چه بسا ماده ۴۲ پیمان‌نامه حقوق کودک را بتوان در همین راستا تفسیر کرد؛ برابر این ماده «کشورهای عضو، متعهد می‌شوند به طور گسترده و به طریقی مناسب و فعال، اصول و مفاد پیمان‌نامه را به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان و کودکان برسانند».

۲-۳ مشکلات اقتصادی

یکی از آثار دهشناک فقر و عدم دسترسی به نیازهای اساسی وضعیت‌های مشابه آن نظیر اسکان در حاشیه شهرها، ایجاد حس پرخاشگری در افراد و تنش در خانواده می‌باشد. همچنین، این امر، روابط اعضای خانواده از جمله رابطه والدین و سایر بزرگسالان را با کودکان مخدوش می‌سازد. درآمد سه میلیارد نفر، روزی ۲ دلار یا کمتر از آن است. حدود ۵۰ درصد از این عده در شرایطی که از نظر بانک جهانی «فقر مطلق» به شمار می‌آید، با درآمدی حدود روزی یک دلار و در وضعیتی نامناسب با حیثیت انسانی زندگی می‌کنند که نیمی از آنان کودک هستند. این وضعیت، به اشکال مختلف، تعادل در مناسبات خانوادگی از جمله مناسبات کودک و خانواده را بر هم می‌زند و محیطی خشونت‌زا ایجاد می‌کند. فقر، بستری اس تکه کودکان به انواع کارها، بهره‌کشی‌ها وادار شوند. آنچه مشکل را تشدید می‌کند آن است که در شرایط ناداری و ضعف بنیه اقتصادی خانواده، پاره‌ای از خشونت‌ها علیه کودک، مثلاً واداشتن او به کار، با پذیرش خانواده و اجتماع و احیاناً خود کودک قرار می‌گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۳-۳ مشکلات خاص خانوادگی

براساس پژوهش‌ها، احتمال رفتار خشونت‌بار توسط کودکان رشد یافته در خانواده‌های پر تنش در مقایسه با سایر کودکان بیشتر است. تحقیق «کمیسیون خشونت و جوانان انجمن روانشناسی امریکا» این گونه نشان داده است: «جوانانی که در خطر گرایش به خشونت و تهاجم مفرط قرار دارند، دارای تجربیات مشترکی هستند که ظاهراً آنان را در مدار خشونت قرار داده است. این جوانان، عموماً در دوران کودکی با مراقبان خود روابط عاطفی ضعیفی داشته‌اند و روش‌های غیرموثر سرپرستی، اعم از فقدان نظارت، تنبیه مستمر، رفتار ناشایست و تنبیهی و ناکامی در اتخاذ رفتار مثبت اجتماعی را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد وجود این نقایص در رشد کودک به نوبه خود منجر به ضعف روابط دوستانه و تشدید پرخاشگری می‌شود»، منازعات بین والدین و اعمال خشونت زوجین و سایر بزرگسالان خانواده نسبت به یکدیگر، خطر خشونت‌ورزی آنان علیه کودکان را در خانواده افزایش می‌دهد. مطالعات انجام شده در چین، کلمبیا، مصر، مکزیک، فیلیپین و آفریقای جنوبی رابطه مستقیمی میان خشونت علیه زنان و خشونت علیه کودکان را اثبات کرده است. پژوهشی در هند نشان می‌دهد خشونت میان اعضای خانواده، خشونت علیه کودکان را به میزان دو برابر افزایش می‌دهد. پرجمعیت بودن خانواده و زندگی با ناپدری یا نامادری نیز در شمار مشکلات خانوادگی است که احتمال بروز رفتارهای خشونت بار اعضای خانواده، علیه کودکان را می‌افزاید. طلاق نیز عامل موثری در بروز خشونت علیه کودکان است. پژوهشی در ایران نشان می‌دهد ۲۵ درصد کودک آزاری‌ها در خانواده‌های طلاق اتفاق می‌افتد (آبروشن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷).

٤-۳ بی‌اعتنایی به ارزش‌های معنوی و مبانی اخلاقی در محیط خانواده

نادیده انگاشته شدن معیارهای اخلاقی و آموزه‌های دینی در رفتار والدین معمولاً به کاهش ضریب وفاداری همسران به همدیگر، سست شدن مبانی خانواده، در حاشیه قرار گرفتن کودکان و کاستن از میزان توجه والدین به کودکان منتهی می‌شود که خود یکی از اقسام کودک آزاری و زمینه‌ساز انجام برخی دیگر از اقسام آن است. کودک و نوجوانی که در فضایی آکنده از معنویت و زهد، به ویژه پارسایی مثبت و اجتماع‌گرا و در محیطی مملو از احترام عشق‌آمیز والدین به همدیگر پرورش یافته است، از اعتماد به نفس کافی برخوردار خواهد بود و در برابر پیشنهادهای خطرآفرین دیگران توانایی مقاومت را خواهد داشت.

بی‌اعتنایی والدین و سایر افراد خانواده نسبت به معیارهای اخلاقی، بی‌گمان موجب می‌شود کودکان بالیده در آن محیط نیز، بیشتر در معرض خطر نقض هنجارها از جمله انجام رفتارهای خشونت‌آمیز علیه دیگر کودکان باشند؛ برعکس، تبیین و رعایت معیارهای اخلاقی و اصول معنوی در خانواده ضمن پیشگیری از بروز خشونت خانگی، تربیت کودکانی را که بتوانند به این اهداف پیش گفته وفادار باشند، تسهیل می‌کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۵-۳ ترویج خشونت توسط برخی رسانه‌های گروهی و فضاهای مجازی

بخشی از اوقات فراغت کودکان، با میزان متفاوت در کشورهای مختلف، صرف استفاده از رسانه‌های گروهی، به ویژه تلویزیون می‌شود. محتوای نامطلوب برخی برنامه‌های رسانه‌ها از جمله مورد توجه قرار دادن کودکان و نوجوانان به سرگرمی‌های غیرسودمند، خیال‌پردازی، روابط جنسی، عادی و در مواردی مثبت جلوه دادن خشونت ورزی سبب شد پیش‌نویس ماده ۱۷ پیمان‌نامه حقوق کودک در موارد زیادی حفاظت کودک در برابر تاثیرات منفی رسانه‌های گروهی، به ویژه رادیو، فیلم، تلویزیون، مطالب چاپی و نمایشگاه‌ها را مدنظر قرار دهد و حفاظت از کودکان در برابر آثار سوء رسانه‌ها بر رشد ذهنی و اخلاقی آنان، از دیگر اهداف پیمان‌نامه باشد (**Hodgkin & Newell, 2002, P. 228**).

البته در سال‌های اخیر، رقیبان قدرتمندی از قبیل: بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت، برای تلویزیون به وجود آمده است. اینک در بسیاری از خانه‌ها در سراسر جهان، استفاده از این رسانه‌ها برای کودکان و نوجوانان ممکن است، اما متاسفانه خانواده‌ها استفاده درست از آن‌ها را به کودکان و نوجوانان خویش آموزش نمی‌دهند و خود نیز نظارت کافی در این خصوص ندارند.

در اسناد بین‌المللی، توجه روزافزونی به رسانه‌ها و تاکید بر لزوم بازبینی در برخی رویه‌ای آن می‌شود. در «دستورنامه اقدام» برگرفته از «چهارمین کنفرانس جهانی برای زنان»، در سال ۱۹۹۵ بخشی درباره زنان و رسانه‌ها وجود دارد که هم بر امکانات رسانه‌ای در راستای مشارکت بسیار بیشتر آن‌ها در پیشرفت زنان تاکید می‌کند و هم بر اینکه «نمایش بی‌وقفه تصاویر منفی و تحقیرکننده از زنان در رسانه‌های گروهی ـ الکترونیکی، چاپی، شنیداری و دیداری ـ باید دگرگون شود» (اعلامیه و دستورنامه اقدام پکن، بندهای ۲۳۴ و ۲۳۶).

رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) نیز توصیه‌هایی درباره نقش رسانه‌ها در اجتماعی کردن مثبت و مطلوبِ کودکان ارائه کرده است. کمیته حقوق کودک، این رهنمودها را به عنوان معیارهایی مناسب برای اجرای پیمان‌نامه، ستوده است. بند ۴۳ این رهنمودها می‌گوید: «همه رسانه‌های گروهی، به ویژه سینما و تلویزیون باید تشویق شوند که صحنه‌های شهوت‌زا، مواد مخدر و خشونت را کمتر نمایش دهند و نادرستی خشونت و سوءاستفاده از دیگران را نشان دهند و از برنامه‌های بی‌محتوا و موهن افراد، به ویژه کودکان و زنان و روابط بین اشخاص خصوصی خودداری کنند و اصول و نقش‌های برابری‌طلبانه را ترویج دهند».

کمیته حقوق کودک در بررسی گزارش‌های ملیِ شماری از کشورها از جمله جامائیکا، کانادا و پاناما به آن‌ها توجه داده است که قوانین داخلی آن کشورها برای حفاظت کودکان از مطالب و تبلیغات زیان‌آور، کافی نیست.

اسباب‌بازی‌های تهاجمی (یعنی اسباب‌بازی‌هایی که هدفشان تحریک رفتار یا تخیلی است که متضمن تلاش برای آسیب زدن به دیگران باشد) را نیز می‌توان ذیل همین عنوان، مورد توجه قرار داد. این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

اسباب‌بازی‌ها می‌توانند به کم شدن حساسیت کودکان نسبت به خشونت کمک کرده و آنان را از بازی‌های غیرخشونت‌بار و منطبق بر هنجارهای اجتماعی باز دارند.

برای رفع یا کاستن این نگرانی‌ها، برخی دولت‌ها اقداماتی انجام داده‌اند. از جمله آنکه تولید اسباب‌بازی‌های جنگی در کشور سوئد منع شده است. اسپانیا و آلمان نیز اجازه پخش تبلیغات برای این گونه اسباب‌بازی‌ها را نمی‌دهند. قطعنامه سال ۱۹۸۲ پارلمان اروپا، از کشورهای عضو دعوت کرده است، تبلیغات تصویری و گفتاری برای اسباب‌بازی‌های جنگی و نیز تولید و در صورت امکان فروش اسباب‌بازی‌های مشابه با تفنگ‌ها و سلاح‌های واقعی را ممنوع سازند. تولید یا فروش اسباب‌بازی‌های جنگی باید پیوسته کاهش یابد و با اسباب‌بازی‌های سازنده‌ای که به رشد و خلاقیت کودکان کمک می‌کنند جایگزین شوند.

به هر روی فیلم‌ها، رمان‌ها و بازی‌های رایانه‌ای مملو از صحنه‌های خشونت‌آمیز سبب می‌شوند چنین رفتارهایی در نظر کودکان و نوجوانان، نه قبیح و زشت، بلکه رفتارهایی عادی جلوه کنند و آنان را که در سنین بحرانی بلوغ قرار دارند به تکرار چنین رفتارهایی، به ویژه نسبت به گروه همسالان و کوچک‌تر از خود، از جمله در محیط خانه ترغیب کنند.

٦-۳ مشکلات رفتاری کودکان خاص

برخی ویژگی‌های جسمی یا روانی کودکان موجب می‌شود رفتارهای خشونت‌بار از آنان سر زند یا آنان را بیشتر در معرض خشونت قرار دهد. مثلاً، آن گروه از کودکانی که به دلیل انواع ناتوانی جسمی یا ذهنی، خارج از خانواده و در مراکز نگهداری از کودکان بسر می‌برند، ممکن است در مراحل درمانی، مورد خشونت قرار گیرند. در برخی موارد کودکان ۹ ساله بدون استفاده از داروهای آرامش‌بخش و بی‌هوشی تحت درمان با شوک الکتریکی قرار گرفته‌اند. همچنین ممکن است برای کنترل کودکان هنجارشکن مانند افراد بیش فعال و یا برای افزایش حالت اطاعت‌پذیری آنان از داروهای خاص استفاده شود که این می‌تواند به کاهش توانایی آن‌ها برای دفاع از خود در برابر خشونت منجر شود؛ به بیان دیگر زمینه‌ساز اعمال خشونت علیه آنان شود.

٤- پیشنهادات

در هر کشوری از جمله کشور خودمان، مجموعه‌های آکادمیکِ تخصصی به نام دانشگاه تربیت مدرس یا تربیت معلم وجود دارد. وظیفه‌ی این دانشگاه‌ها، اخذ دانشجو و پرورش آنها برای شغل تدریس می‌باشد. فاجعه‌ای که نزدیک به ۱۵ سال است. به طور فزاینده‌ای در نظام آموزشی‌ها رشد کرده آنست که ظرفیت دانشگاه‌های مذکور روز به روز کمتر شده، وحد جدیدی به این دانشگاه‌ها اضافه نشده و خروجی آنها به هیچ عنوان با نیازهای کشور هماهنگ نیست. حال از سوی دیگر، بیشترِ نظام آموزشی ما خصوصاً در دوره

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ابتدائی (حساس‌ترین دوره آموزشی)، توسط کارمندان پیمانی انجام می‌شود که در عُرفِ عامه به آنها «حق‌التدریس» گفته می‌شود. شاید در بادی امر این موضوع چندان مهم جلوه ننماید ولی توضیحات ذیل نقاط تاریکِ این فاجعه را مشخص می‌نماید. سوال این است که آیا عمدی در این روشِ نوین! وجود دارد؟ به جای پاسخ مستقیم، این توضیح داده می‌شود که معلمِ پذیرفته شده در دانشگاه تخصصی، باید برابر مقررات از روز اولِ دانشجویی تا پایان دوره‌ی خدمت خود حقوقِ مکفی دریافت نماید، حال آنکه به یک معلمِ حق‌الدس گاهی تا یک سوم حقوق قانونیِ مصوب تعلق می‌گیرد و حتی ۹۹ درصدِ موارد این نوع معلمان تحت پوشش هیچ بیمه‌ای قرار نمی‌گیرند. معلمان حق‌التدریسی تا ۱۵ سال به همین منوال مجبور به کار هستند تا در صورت امکان، شرایط استخدام آنها فراهم شود.

تبعاتِ این نوع صرفه‌جوییِ اشتباه را می‌توان در موارد زیر دانست.

اولاً که این معلمان، بسیاری از واحدهای درسیِ لازم برای سر و کار داشتن با کودکان و دانش آموزان را پاس نکرده‌اند.

ثانیاً روش تدریسِ علمی دروس آموزش داده نشده

ثالثاً از فیلترهای لازم و تایید صلاحیت‌های که باید به سخت‌گیرانه‌ترین شکل ممکن اعمال شود خبری نیست.

خبرهای ناگواری که از جرائم علیه اطفال در محیط‌های آموزشی در سالیان اخیر به گوش می‌رسد، افت سطح تحصیلی، افزایش آمار ترک تحصیل، عدم علاقمندی کودکان به مدرسه و. . .

تماماً از تبعاتِ این تصمیم نادرست می‌باشد. لذا افزایش ظرفیت دانشگاه‌های تخصصیِ تدریس و معلمی و اجبار تمامی مدرسین به گذراندن این دوره‌ها مورد پیشنهاد است.

۵- نتیجه‌گیری

آنچه طی این پژوهش مدنظر بوده است، پیشگیری از جرائم علیه اطفال در دو بُعد می‌باشد، یکی جرائمی که در محیط‌های آموزشی و فرهنگی اتفاق می‌افتد (خشونت مربیان علیه اطفال، ضرب و جرح و. . .) و نسبتِ مستقیم با این پژوهش دارد و دیگر جرائمی که در خارج از محیط آموزشی واقع می‌گردد و آموزشِ کودکان و والدین در زمینه‌ی این جرائم در محیط‌های فرهنگی و آموزشی، می‌تواند زمینه‌سازِ پیشگیری از این جرائم در خارج از این محیط‌ها باشد (آموزش‌های جنسی، آموزش در رابطه با مواد مخدر و. . .) پس از این توضیح باید گفت به نظر می‌رسد جرائم علیه اطفال می‌تواند دارای دو بُعدِ اصلی باشد. که دیگر ابعاد را باید مشتق شده از آن دو بُعد در نظر گرفت، این دو بعدِ اصلی عبارت است از بُعد جسمی و بُعد روحی، برای مثال جرائم جنسی دارای بُعد جسمی از حیث فیزیکی و جرم‌شناسانه می‌باشد، هر چند باید قائل به وجود بُعد خسارت معنوی نیز در این زمینه بود. تبعات بزه‌دیدگی اطفال در محیط‌های آموزشی و فرهنگی نیز می‌تواند گستره‌ای از آسیب روحی، جسمی، ترک تحصیل و. . . را به همراه داشته باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و ماخذ

ـ آبروشن، هوشنگ، (۱۳۸۷)، کودک آزاری و کنوانسیون حقوق کودک، چاپ دوم، تهران، آثار اندیشه.

ـ آقابیگلویی، عباس؛ رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ موسوی چلک، حسن، (۱۳۹۱)، کودک آزاری، تهران، انتشارات آوند دانش و همکاران، (۱۳۹۱)، کودک آزاری، چاپ اول، تهران، آوند دانش.

ـ جوادی عاملی، عبدالله، (۱۳۹۲)، مفاتیح الحیاء، قم، اسراء.

ـ گنجی، مهدی، (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی روانی بر اساس **DSM-5**، تهران، ساوالان.

ـ یونیسف، (۱۳۸۷)، محو خشونت علیه کودکان، تهران، یونیسف.

__ Hodgkin, Rachel; Newell, Peter, (2002), Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child, FDully revised edition, United Nations Children's Fund.

__ Thomspon M. P, Kingree, J. B, Desai, S, (2004), Gender Differences in Long-term Health Consequences of Physical Abuse of Children: data from a nationally representative survey, American Journal of Public Health, n. 94.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]